

آشناکم
~~آشناکم~~

ای شما آینه ی رخوت و بیم
 بندگان زو و سیم
 بگر یزید زمن
 من خطرناکم و وحشتناکم
 دوست مردم آ زاد منش
 دشمن ضحاکم .
 روح بگردانید از سایه ی من
 دم کنید از در و همسایه ی من
 جان و وجدان شما بنخزده از ترس مدام
 و من آن شعله ی آشفته سربی باکم
 بگر یزید زمن
 من خطرناکم . آشناکم .

x x x

۱۳۵۹

۱۹۷۷

نورسنگ سرد بنام
آشناکم

نورسنگ سرد بنام